

بی‌کاری چالش عصر ما
موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
گروه همایش‌ها و نشست‌های تخصصی

حسن طائی
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی
19 آذرماه 1397

فهرست مطالب

1. مقدمه
2. مشخصه های جمعیتی و اقتصادی
3. غفلت ها و شکل گیری بیکاری
4. منحنی بوریج
5. فرضیه اثر سیاستهای تاخیری



بخش اول: مقدمه

نیاز به ایجاد ۴۲ میلیون شغل در هر سال در سطح جهان

نتایج حاصل از تحقیقات نشان می دهد که بهبود شرایط اقتصادی در سال های اخیر قادر نیست عدم توازن بین رشد اقتصادی و کاهش اشتغال سنوات قبل را جبران نماید و بیکاری همچنان چالش بزرگ قرن ما خواهد بود.

چرا که اولاً" به نظر نمی آید، در آینده ی نزدیک، اقتصاد جهان نرخ رشدی بیش از دوره ی قبل از بحران اقتصادی داشته باشد، بنابر این برای جذب تازه واردین به بازار کار ، معضل بیکاری هر سال پیچیده تر از سال قبل خواهد شد.

نیاز به ایجاد ۴۲ میلیون شغل در هر سال در سطح جهان

دوم اینکه، مسئله‌ی مهم‌تر، عدم مبارزه‌ی جدی با ریشه‌های بحران جهانی است.

سیستم مالی کماکان پاشنه‌ی آشیل اقتصاد جهان است.

صورت‌های مالی بانک‌ها بیانگر آن است که برخی از شرکت‌ها، به خصوص شرکت‌های کوچک، دسترسی محدودی به اعتبارات دارند که مستقیماً "بر سرمایه‌گذاری و تولیدی و ایجاد اشتغال تاثیر می‌گذارد."

نیاز به ایجاد ۴۲ میلیون شغل در هر سال در سطح جهان

مسئله سوم - بر اساس یافته های جدید در بستر مباحث توسعه ای پس از سال 2015، مبین آن است که **در سال های آینده پی شرفیت اندکی در کاستن فقر نیروی کار و اشکال آسیب پذی رتر اشتغال، مانند مشاغل غیررسمی و سیاه پدیدی خواهد آمد.**

مسئله چهارم اینکه در دنیای آینده با رشد اندک اقتصادی مواجه خواهیم بود و چه بسا که رشد اقتصادی در آینده ایجاد اشتغال چندانی هم نکند و **رشد بدون اشتغال** مسئله ای جدی تر بویژه در دنیای در حال توسعه جلوه گر شود.

انواع بی‌کاری

بی‌کاری اصطکاکی

بی‌کاری ساختاری

بی‌کاری ناشی از کمبود تقاضای مؤثر

بی‌کاری ادواری

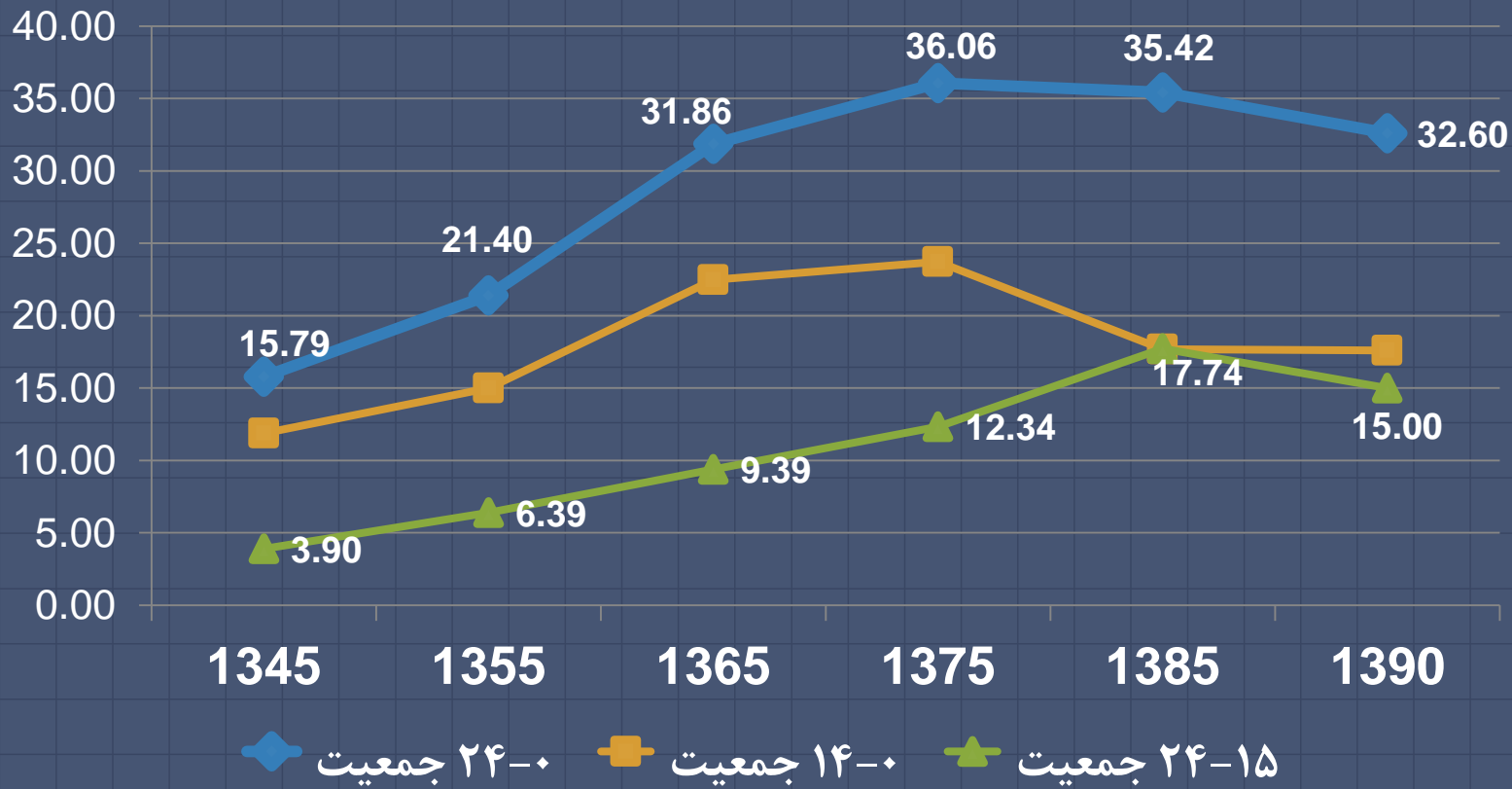
بی‌کاری تکنولوژیک

بی‌کاری فصلی

بی‌کاری

- جمعیت بیکار و نرخ بیکاری از هر دیدگاهی که مورد استفاده قرار گیرد:
- شاخصی برای ادوار تجاری و نتیجه سیاست‌های کلان اقتصادی دولت‌ها به‌شمار می‌رود
- شاخصی برای عملکرد اقتصادی است، در هنگامی که نرخ بیکاری بالا است، بطور قطع سطح تولید نیز پائین است.
- شاخصی برای رنج و مشقت اقتصادی آحاد جامعه است. به‌ویژه اگر دوره بیکاری افراد طولانی‌گردد آثار زیانبار آن بروز و جلوه بیشتری پیدا می‌کند

بخش دوم: مشخصه های جمعیتی و اقتصادی



مشخصه‌های جمعیتی سال 1395

- جمعیت 80 می‌لیون نفر
- جمعیت در سنین فعالیت 66.4 می‌لیون نفر
- جمعیت غیر فعال 40.4 می‌لیون نفر
- جمعیت فعال 26 می‌لیون نفر
- جمعیت شاغل 22.7 می‌لیون نفر
- جمعیت بیکار 3.3 می‌لیون نفر
- جمعیت جوانان 15-24 سال 12 می‌لیون نفر
- 48 درصد از جمعیت جوانان مشغول تحصیل هستند.

جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر (58.1 میلیون نفر)

غیر فعال (۳۴/۱ میلیون نفر)		بیکار (۲/۹ میلیون نفر)		شاغل (۲۱/۱ میلیون نفر)			
سایر (۳۳/۴ میلیون نفر)	سایر غیر فعالان (آماده به کار) (۰/۳ میلیون نفر)	افراد دلسرد از جستجوی کار (۰/۴ میلیون نفر)	بیکاران با کمتر از یکسال بیکاری (۱/۳۱ میلیون نفر)	بیکاران با بیشتر از یکسال بیکاری (۱/۷ میلیون نفر)	شاغلان دارای اشتغال ناقص زمانی (۱/۹ میلیون نفر)	سایر (۱۰/۶ میلیون)	شاغلان با ساعت کار ۴۹ ساعت و بیشتر (۸/۶ میلیون نفر)
					شاغلان با ساعت کار کمتر از ۱۶ ساعت (۰/۵ میلیون نفر)	سایر اشتغال ناقص زمانی (۱/۴ میلیون نفر)	

بیکاران و همسایگان نزدیک؛

۳/۸ میلیون نفر

بیکاران و همسایگان دور؛

۵/۵ میلیون نفر

برآوردهایی از شاخص های جمعیتی سال ۱۴۰۰

- جمعیت معادل با ۸۵ میلیون نفر
- جمعیت در سنین فعالیت معادل با 73.5 میلیون نفر (بالاتر از ده سال)
- جمعیت فعال معادل با ۳۵ میلیون نفر (هدف گذاری)
- جمعیت شاغل معادل با ۳۱.۵ میلیون نفر (هدف گذاری)
- نرخ مشارکت معادل با ۴۸ درصد (برای جمعیت بالاتر از ۱۰ سال)
- نرخ بیکاری معادل با ۱۰ درصد (هدف گذاری)

کسری رشد تولید ناخالص داخلی

یکی از دلایل اصلی انباشت سطح بیکاری در کشور، کسری رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه در طول سال هائی است که بر اساس سند چشم انداز و برنامه های توسعه می بایست سالانه دارای ۸ درصد رشد باشد تا سطح بیکاری به کمتر از ده درصد کاهش یابد.

در طول سال های ۱۳۹۱-۱۳۸۴ مجموع رشد حاصله در GDP حداکثر ۴۱ درصد ولی بر اساس نرخ رشد سند چشم انداز می بایست ۸۵ درصد باشد.

همچنانکه مشخص است یکی از دلایل اساسی بیکاری میلیونی در سطح کشور کسری رشد تولید حدود ۴۴ درصدی است.

کسری رشد تولید ناخالص داخلی

چنانکه از محاسبات ساده فوق قابل استنباط است یکی از راه حل ها و الزامات کاهش سطح بیکاری کشور در این است که رشد تولید در سال های آینده بمراتب بیشتر از ۸ درصد باشد تا جبران کسری رشد در سال های قبل باشد.

البته این مسئله که با توجه به عرضه و تقاضای نیروی کار و توان اقتصاد ملی و سطح سرمایه گذاری و صد البته کاستی های نهادی در سال های آینده چگونه ممکن است که کسری رشد گذشته جبران و سطح بیکاری به کمتر از ۱۰ درصد برسد، خود نیازمند بحث مستقلی می باشد.



بخش سوم: غفلت ها و شکل گیری
بی کاری

برخی غفلت های بلند مدت در شکل گیری بی‌کاری

1. شکل‌گیری جمعیت 36 میلی‌یون نفری زیر 25 سال در دهه 70
2. مهاجرت از روستاها به شهرها و سپس به شهرهای بزرگ و تشکیل دوگانگی توزیع منابع طبیعی در کشور و تمرکز منابع انسانی در شهرها
3. کاهش سهم اعتبارات عمرانی بنفع هزینه‌های جاری در بودجه‌های سنواتی.
4. پیشی گرفتن هزینه‌های استهلاک دارائی‌ها و زیر ساختهای فیزیکی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری در برخی سال‌ها در سطح کلان.
5. فقدان شکل‌گیری زنجیره‌ها و ارتباطات عمودی و افقی در سطح بنگاه‌ها، صنعت و بازار.

برخی غفلت های بلند مدت در شکل گیری بی کاری

6. کاهش تدریجی سهم واردات کالاهای سرمایه ای بنفع کالاهای مصرفی و واسطه ای.
7. مهاجرت ممتد نخبگان و نوآوران اقتصادی... و تهی شدن عرصه فعالیت ها از کارآفرینان
8. ناپایداری بنگاه های و طول عمر پائین آنها. مطلوب و شرط اولیه توسعه صنعتی آنست که طول عمر بنگاهها از طول عمر موسسان آنها بیشتر باشد.
9. گسترش آموزش عالی و فقدان شکل گیری نظام یادگیری و نوآوری در سطح ملی و منطقه ایی.
10. فقدان حکمرانی مطلوب بازار کار بویژه مسائل و مشکلات سازمانی و کارشناسی وزارت کار.

برخی غفلت های بلند مدت در شکل گیری بی کاری

11. تنش ها و تنش های سیاسی در سطح محیط بین المللی و محیط داخلی
12. فضای کسب و کار نا مطلوب و محیط سرمایه گذاری نا اطمینان
13. فقدان زمینه خوش بینی و امیدواری برای سرمایه گذاران
14. فقدان هدایت اعتبارات، دسترسی دشوار به تسهیلات و نرخ سود تسهیلات اعطایی بی ارتباط با بازدهی فعالیت ها در کسب و کارهای خانگی و خرد و کوچک.
15. فقدان مراکز توسعه کسب و کارهای کوچک SBDC

برخی غفلت های بلند مدت در شکل گیری بیکاری

بنابراین اصولاً پدیده ای که در بازار کار ایران شاهد آن هستیم ربط اندکی به مقوله رکود تورمی دارد.

رکود تورمی به موقعیتی اطلاق می شود که اقتصاد همزمان با نرخ های تورم بالا، با کاهش نرخ رشد اقتصادی به کمتر از نرخ میانگین بلندمدت آن و نرخ بیکاری بالاتر از میانگین بلند مدت، درگیر است.

اما آنچه در اقتصاد و بازار کار ایران شاهد آن هستیم تنها ناشی از رکود تورمی نیست بلکه به عوامل ساختاری در جمعیت و عرضه نیروی کار که در طی چندین دهه انباشته شده بر می گردد.

سیاست های بازار کار

- اتخاذ سیاست های چهارگانه در بازار کار عبارتند از سیاست های اقتصاد کلان موثر بر بازار کار، سیاست های فعال، سیاست های حمایتی و سیاست های تنظیمی که هر یک می توانند بخشی از بیکاری منابع انسانی را کاهش دهند.
- نمودار نشان می دهد که برای حل مشکل میلیونی بیکاری در سال های آتی هم باید بفرکر سیاست های فعال، حمایتی و تنظیمی بود (بیکاری نئوکلاسیکی) که بطور عمده در وزارت کار تدوین می شوند و هم بفرکر برنامه ها و سیاست های اقتصاد کلان موثر بر بازار کار بود (بیکاری کینزی ناشی از کمبود تقاضای موثر) که در سایر دستگاه های اجرایی تعیین می شوند.

بخش چهارم: تابع تطبیق و منحنی بورسج

منحنی Beveridge

حجم خالص جریان های ورودی و خروجی نیروی کار این نکته را آشکار می کند که بازار کار به طور دائمی خود را سازماندهی مجدد می کند.

در هر لحظه از زمان تعداد زیادی شغل خلق و مشاغلی دیگر تخریب می شوند، همچنین در هر لحظه از زمان تعداد زیادی کارگر شغل خود را از دست می دهند و تعدادی دیگر استخدام می شوند.

این تخصیص مجدد مشاغل و کارگران منجر به افزایش بیکاری اصطکاکی می شود یا به بیانی دقیق تر، وجود همزمان پدیده مشاغل خالی و افراد جویای کار شکل می گیرد.

منحنی Beveridge

اقتصاددان انگلیسی ویلیام بوریج در سال ۱۹۴۴، موضوع ارتباط میان مشاغل بالاتصدی و سطح بیکاری را برای ارزیابی اندازه تخصیص مجدد کارگران پیشنهاد کرد.

«منحنی بوریج» ارتباط میان نرخ بیکاری u و نرخ تصدی مشاغل v (نسبت تعداد مشاغل بالاتصدی به نیروی کار) را نشان داده و بیان کرده که وقتی فعالیت اقتصادی کاهش می یابد، بنگاه ها مشاغل جدید کمتری تعریف می کنند و افراد بیکار شده بیشتری به دنبال مشاغل بالاتصدی می روند.

در مقابل در طول دوران بهبود وضعیت اقتصادی، نقطه ای که به عنوان تعادل در سیستم اقتصادی تعریف شده در طول منحنی بوریج با افزایش تعداد مشاغل جدید و کاهش جویندگان کار، به سمت مرکز انتقال می یابد.

منحنی Beveridge

□ صرف وجود منحنی بوریج نشان می دهد که بطور همزمان پدیده افراد بیکار و مشاغل بلا تصدی روی می دهد. این همزمانی از هزینه های جابجایی مربوط به مکان و مهارت و از اطلاعات ناقص ناشی می شود.

□ یکی از اهداف بازار کار فراهم کردن بهترین انطباق ممکن میان سبد مهارت های مورد نیاز بنگاه و سبد مهارت های نیروی کار است.

□ فعالیت جست و جو نیازمند زمان و منابع است که غیر قابل چشم پوشی است، زیرا ضرورت اطلاعات برای هر دو طرف منبعی کمیاب را تشکیل می دهد.

منحنی Beveridge

مدل ساده زیربنای منحنی بوریدج



منحنی بوریج

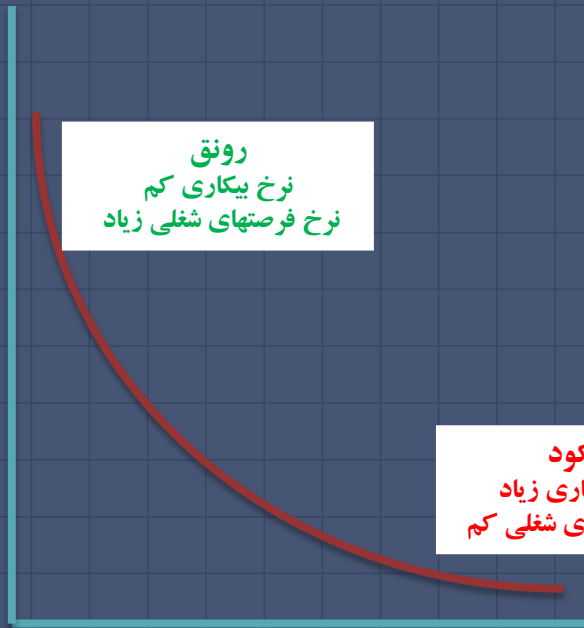
نموداری که در فضای U-V رابطه نرخ بیکاری و نرخ فرصت‌های شغلی را ترسیم می‌نماید

نرخ فرصت‌های
شغلی (v)

رونق
نرخ بیکاری کم
نرخ فرصت‌های شغلی زیاد

رکود
نرخ بیکاری زیاد
نرخ فرصت‌های شغلی کم

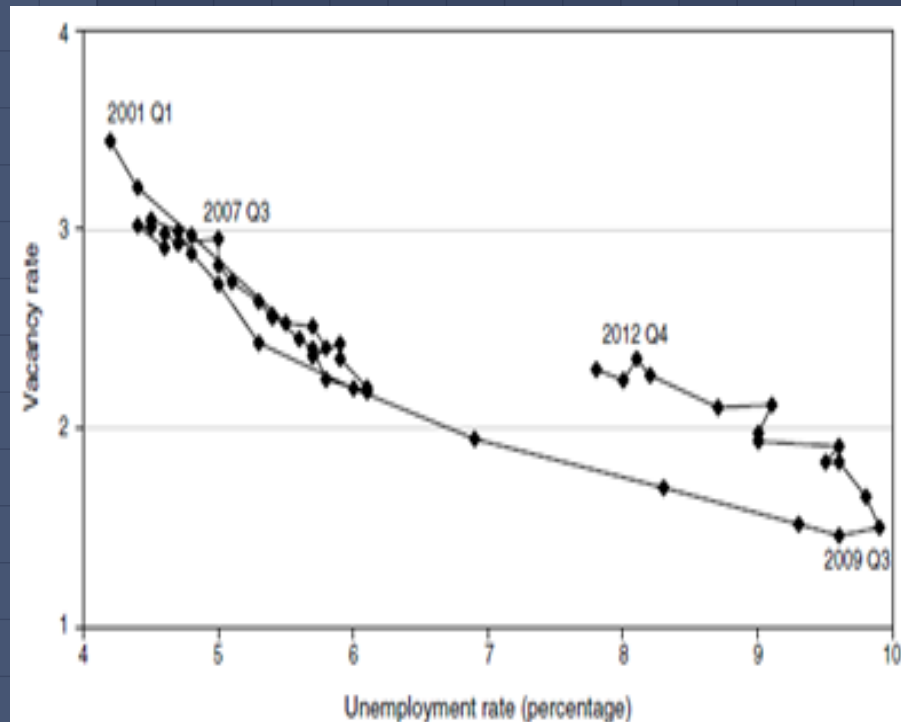
نرخ بیکاری (u)



منحنی Beveridge

□ در ایالات متحده، اداره آمار نیروی کار (BLS) هر ماه با استفاده از نرخ های بیکاری حاصل از طرح های مختلف آمارگیری، منحنی بوریج را به روز رسانی و منتشر می کند. نمودار مقابل منحنی بوریج را برای ایالات متحده در طول دوره ژانویه ۲۰۰۱ تا دسامبر ۲۰۱۲ نشان می دهد.

- Bureau of Labor Statistics
- Current population survey (CPS) and job opening and labor turnover survey (JOLTS)

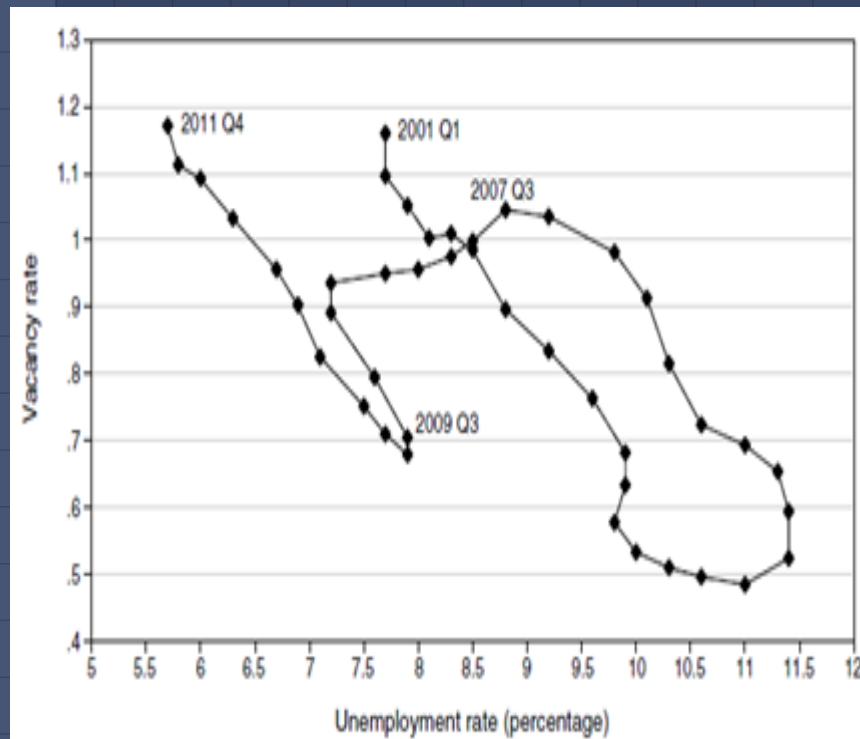


منحنی Beveridge

نرخ بیکاری در آلمان بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ به شدت کاهش یافت: در حالی که این نرخ در فصل اول سال ۲۰۰۵ در مقدار ۴/۱۱ درصد قرار داشت، در فصل چهارم سال ۲۰۱۲ به ۷/۵ درصد رسید.

در طول این دوره آلمان (و به طور کلی منطقه یورو) تصویری متفاوت از آنچه در ایالات متحده شاهد بودیم - که نرخ بیکاری در پایان سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۰۵ بالاتر بود - از خود نشان داد.

نمودار مقابل نشان می دهد که در طول این دوره منحنی بوریج برای آلمان به سمت چپ انتقال یافته است. بنابراین به نظر می رسد بخشی از کاهش در نرخ بیکاری آلمان به بهبود در فرآیند انطباق بین جویندگان کار و مشاغل بلاتصدی مرتبط باشد.



تابع تطبیق و منحنی بوریج

در عمل رویه های جست و جوی شغل با اصطکاکات زیادی توصیف می شود. مهمترین این اصطکاک ها ناشی از عدم انطباق بین مشاغل بلا تصدی و مهارت های کارگران، همچون نادیده گرفتن محل کار و/یا خصوصیات واقعی مشاغل در دسترس است.

برای مقابله با این اصطکاک ها، کارفرمایان و جویندگان کار استراتژی های جست و جو که شامل خواندن آگهی های روزنامه، جست و جو در اینترنت، ارسال درخواست به اداره های کار دولتی، استفاده از شبکه های شخصی، ارسال نامه درخواست شغل و ... می شود را به کار می گیرند.

تمامی این فعالیت ها زمان بر است و اغلب هزینه های بالایی را نیز به همراه دارد. اما در هر لحظه از زمان تعداد خاصی از این فعالیت ها به موفقیت می انجامد، که می تواند به وسیله تعداد استخدام شده ها در روزی که مورد پرسش قرار گرفته اند اندازه گیری شود.

تابع تطبیق و منحنی بورج

- تابع تطبیق مستقیماً کل بازار را در نظر می گیرد (به عنوان مثال یک کشور، منطقه یا صنعت) و تنوع فعالیت های فردی را لحاظ نمی کند.
- این تابع مجموعه فرآیند جست و جو را در یک رابطه مفروض جریان استخدام شده ها، M ، را به عنوان تابعی از ذخیره مشاغل بلا تصدی V و افراد در جست و جوی کار D ، خلاصه می کند.
- تابع تطبیق مشابه با دیگر توابع جمعی مورد استفاده در اقتصاد کلان مانند تابع تولید کل است. برای آنکه این تابع ابزاری سودمند باشد، بایستی بتوانیم ویژگی های دقیقی بر مبنای پایه های اقتصاد خرد به آن نسبت دهیم و فراتر از همه باید تأیید کنیم که برآوردهای تجربی حاصل از چنین تابعی با این ویژگی ها سازگار است.

تابع تطبیق

$$1) M = m(u, v)$$

$$2) M_u, m_v \gg 0$$

$$3) m(u, 0) = m(0, v) = 0$$

$$4) m(u, v) \ll \min(u, v)$$

$$5) \frac{m(u, v)}{u}$$

$$6) \frac{m(u, v)}{v}$$

تابع تطبیق

$$7) L = V + U$$

$$8) u = \frac{U}{L}$$

$$9) v = \frac{V}{N}$$

$$10) \lambda = m \left(\frac{U}{L} \cdot \frac{L}{N}, \frac{v}{n} \right) = \left(\frac{u}{1-u}, v \right)$$

$$11) \eta_u$$

$$12) \eta_v$$

تابع تطبیق

تابع تطبیق نشاندهنده تعداد استخدام های موفق در هر لحظه از زمان است که تابعی از تعداد افرادی که در جستجوی شغل هستند و تعداد بنگاههای در جستجوی کارگر است.

بازار کار ناهمگن است، اطلاعات ناقص است و اصطکاکهای دیگری نیز وجود دارد. این اصطکاکها از تسویه خودبه خودی بازار کار جلوگیری میکند که با نظریه بازار کار کلاسیک در تناقض است.

جذابیت تابع تطبیق در این است که این امکان را فراهم میسازد تا بتوان اصطکاک ها را با کمترین پیچیدگی نسبت به مدل های مرسوم مدلسازی نمود.

روش تجزیه و تحلیل داده ها:

برآورد
تابع تطبیق

استفاده از داده های استانی
سال های ۸۷-۱۳۷۲

نرم افزار Eviews6

برآورد با روش
Panel Data

برآورد
منحنی
بورج

استفاده از داده های استانی
سال های ۸۷-۱۳۸۴

نرم افزار Eviews6

برآورد با روش
Panel Data

منبع	تعریف	متغیر
سیمای بازار کار	فرصت های شغلی خالی یا به زودی خالی که کارفرما فعالانه برای آنها در جستجوی نیروی کار است	فرصت های شغلی
سیمای بازار کار	کسانی که به منظور انجام کاری در بنگاه های اقتصادی، بخش مزد به گیری و یا با اتکا به تخصص و مهارت شخصی خود در بخش غیر مزد بگیری (خود اشتغالی) فعالیت می نمایند	تطبیق های موفق شغلی
نتایج آمارگیری نیروی کار	نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر به جمعیت در سن کار، ۱۰ ساله و بیشتر	نرخ مشارکت اقتصادی
نتایج آمارگیری نیروی کار	از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار)	نرخ بیکاری
محقق	نسبت فرصت های شغلی اعلام شده به مراکز کاریابی به جمعیت شاغل	نرخ فرصت های شغلی
آمارهای منطقه ای مرکز آمار	نتیجه نهایی فعالیت های اقتصادی واحدهای تولیدی مقیم یک کشور در یک دوره زمانی معین	محصول ناخالص داخلی

برآورد تابع تطبیق:

با بهره گیری از مدل Bleakley & Fuhrer (۱۹۹۷) تابع تطبیق ذیل تصریح می گردد:

$$\log(M_{it}) = \beta_0 + \beta_1 \log(V_{it}) + \beta_2 \log(W_{it}) + \epsilon_{it}$$

تعداد تطبیق های موفق شغلی

تعداد فرصت های خالی شغلی

تعداد افراد جویای کار

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
constant	۱.۱۲۶۷۳۱-	۰.۳۶۲۷۰۰	۳.۱۰۶۵۰۷-	۰.۰۰۲۰
Log(W)	۰.۲۴۲۲۰۸	۰.۰۴۷۸۱۸	۵.۰۶۵۱۷۴	۰.۰۰۰۰
Log(V)	۰.۷۹۳۸۸۳	۰.۳۰۵۳۳	۲۶.۰۰۰۷۴	۰.۰۰۰۰
	DW=1.70	F-statistic=111.9416	Adjusted R-squared=0.87	R-squared=0.88

تابع تطبیق و منحنی بوریج

توجه به این نکته ضروری است که منحنی بوریج یک رابطه ساختاری در اقتصاد نیست. به این معنی که کارگران و بنگاه‌ها آگاهانه تصمیم نمیگیرند که رابطه بیکاری و فرصتهای شغلی را به صورت معکوس ایجاد نمایند؛

بلکه این تصمیمات کارگران و بنگاهها در مورد انباشت مهارتها، استخدام کارگران و تعیین دستمزد است که غیرمستقیم منتج به الگویی از بیکاری و فرصتهای شغلی میشود که منحنی بوریج نام دارد.

تغییر در رفتار کارگران و بنگاهها در هر برهه از زمان، ترکیب خاص بیکاری و فرصتهای شغلی در منحنی بوریج را تحت تأثیر قرار میدهد و باعث جابه جایی منحنی نسبت به مبدأ میشود،

تابع تطبیق و منحنی بوریج

جابه جایی منحنی بوریج ناشی از تغییر در هر یک از این سه جزء می باشد:

اولاً، افزایش یا کاهش در کارایی فرایند تطبیق شغلی منجر به حرکت منحنی بوریج به سمت داخل یا خارج خواهد شد. تغییر در کارایی ممکن است ناشی از عوامل مختلفی مانند بهبود در اطلاع رسانی فرصتهای شغلی به افراد جویای کار و یا تحرک پذیری بیشتر کارگران باشد؛

ثانیاً، رشد نیروی کار با در نظر گرفتن کارایی فرایند تطبیق ثابت، تعداد افراد بیکار را افزایش خواهد داد و لذا افزایش در جریان ورودی به نیروی کار منجر به انتقال منحنی بوریج به بیرون میشود؛

ثالثاً، کاهش در نوسانات بازار کار بدون در نظر گرفتن کارایی فرایند تطبیق و یا نرخ مشارکت نیروی کار، منجر به جابه جایی منحنی بوریج به سمت داخل میشود.

بر آورد منحنی بوريج:

تصريح شماره ۲ منحنی بوريج

$$\log(u_{it}) = \beta_0 + \beta_1 \log(v_{it}) + \beta_2 (\log(v_{it}))^2 + \beta_3 \log(p_{it}) + \epsilon_{it}$$

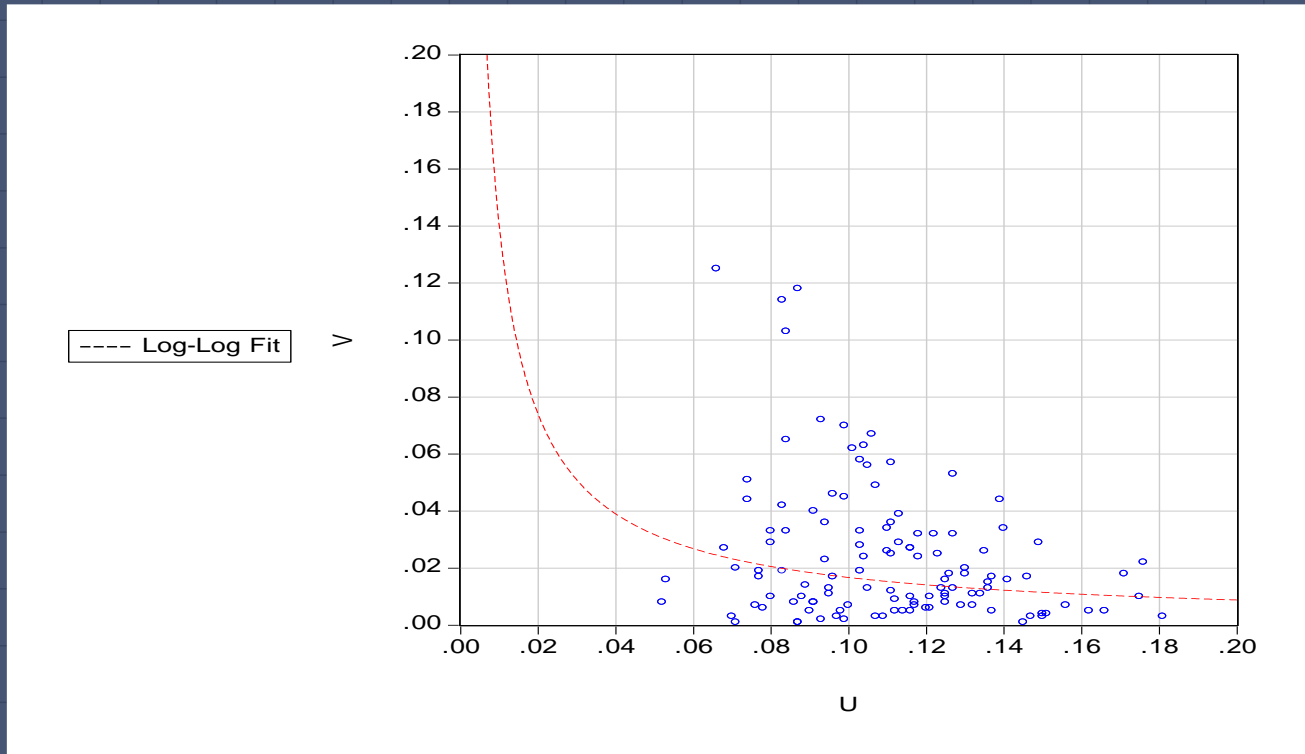
↙
نرخ
بيكاری

↙
نرخ فرصت های
شغلی

↙
نرخ مشاركت
اقتصادی

متغير	ضريب	انحراف معيار	آماره t	سطح احتمال
Constant	-2.246782	0.311421	-7.214620	0.0000
Log(v)	-0.234258	0.081808	-2.863521	0.0052
Log(v)^2	-0.024991	0.008479	-2.947480	0.0041
Log(p)	0.531684	0.216143	2.459870	0.0159
	Dw=2.055	F-statistic= 19.30426	Adjusted R-squared=.83	R-squared=0.87

منحنی بوریج ایران (نمودار پراکندگی در فضای نرخ فرصت های شغلی و نرخ بیکاری)



استخراج منحنی بوریج (بیکاری - فرصت شغلی U-V) در ایران
فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره ۱۳، پائیز ۱۳۹۲

سیما باقری

حسن طائی

جاوید بهرامی



بخش پنجم: فرضیه اثر تاخیری
Hysteresis effect hypothesis

وقتی فردی شاغل می شود.

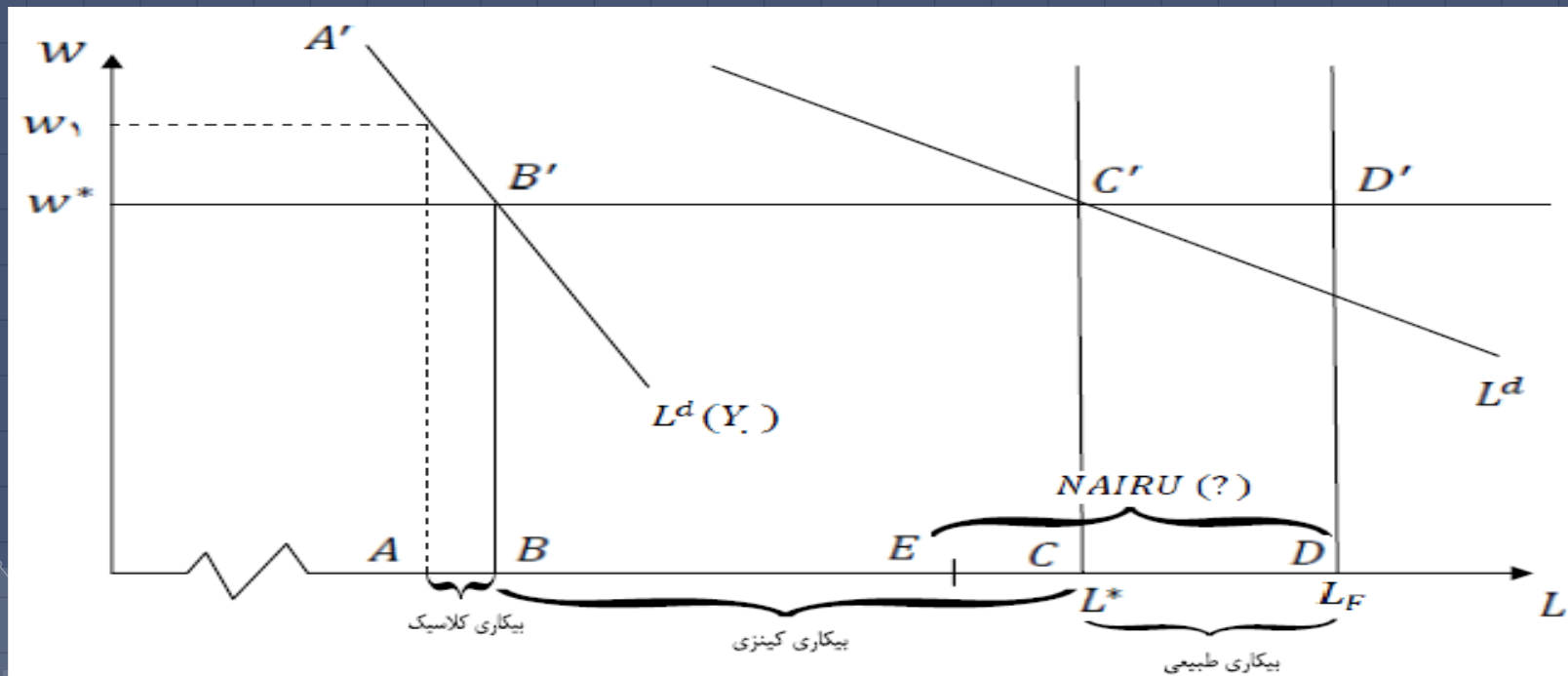
منشاء ایجاد چهارنوع درآمد است:

- حقوق و دستمزد برای خود
- حق بیمه‌ای به سازمان‌های رفاهی و تأمینی
- مالیات به دولت
- سود به کارفرما
- انباشت سرمایه انسانی و افزایش مهارت بواسطه یادگیری در حین کار

با درآمدهای کاری هزینه‌های زیر تامین می‌گردد:

- نیازها یا هزینه‌های زندگی خصوصی
- هزینه‌های کلان اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی
- هزینه‌های رفاهی و تأمینی حال و آینده خانواده (اعانات بین نسلی)
- نیازها یا هزینه‌های سرمایه‌گذاری در دنیای کسب و کار
- از بین رفتن سرمایه انسانی و کاهش مهارت بواسطه طولانی شدن دوره بیکاری

بی‌کاری



Hysteresis effect hypothesis

فریدمن 1968 و فلپس 1976 معتقدند که بیکاری اصولاً به نرخ طبیعی در بلندمدت همگرا شده که اغلب با عنوان فرضیه نرخ طبیعی شناخته میشود. اگر این فرضیه ویژگیهای سری زمانی نرخ بیکاری را به درستی توصیف کند به این مفهوم است که انحراف از نرخ طبیعی عمری کوتاه دارد و در نهایت این انحراف از بین خواهد رفت.

در مقابل بلانچارد و سامرز 1987 معتقدند که حرکت نرخ بیکاری دارای ویژگی اثر تأخیری است به این معنا که شوکهای وارده بر بازار کار اثرات دائمی بر نرخ بیکاری دارند.

این دو فرضیه رقیب بارها با استفاده از آزمونهای ریشه واحد مرسوم روی نرخ بیکاری بررسی شده است. در صورتی که وجود ریشه واحد در مطالعات تجربی رد نشود، فرضیه اثر تأخیری قابل پذیرش بوده در حالی که رد شدن وجود ریشه واحد به عنوان شاهدهی بر وجود فرضیه نرخ طبیعی بیکاری است.

Hysteresis effect hypothesis

وجود ریشه واحد در سریهای زمانی موجب ماندگاری اثر شوکهای وارده میشود و از سوی دیگر امکان استفاده از داده های قبلی جهت ساختن الگویی برای پیش بینی روند آتی میسر نخواهد بود.

در زمینه ماندگاری اثر شوک بر بازار کار که در نتیجه ی نامانای بودن نرخ بیکاری ایجاد میشود، دو عقیده وجود دارد.

مباحث ارائه شده از سوی فریدمن و فلیپس بر پایه مانای بودن نرخ بیکاری در اطراف نرخ بیکاری طبیعی شکل گرفته است. آنها معتقد بودند نرخ بیکاری در محدوده های از نرخ بیکاری طبیعی مانا است و هر شوکی که به نرخ بیکاری وارد آید، اثر موقتی خواهد داشت و نهایتاً این نرخ به مقدار نرخ طبیعی خود باز خواهد گشت.

Hysteresis effect hypothesis

□ از سوی دی‌گر بلانچارد و سامرز تئوری جای‌گزینی را با عنوان تئوری اثر تأخیری در نرخ بیکاری ارائه کردند. بر مبنای این نظریه شوک‌های وارده بر نرخ بیکاری اثر دائمی بر نرخ بیکاری خواهند داشت و در حقیقت نرخ بیکاری ناماناست و از فرآیند گام تصادفی پیروی میکند و دارای حداقل یک ریشه واحد است.

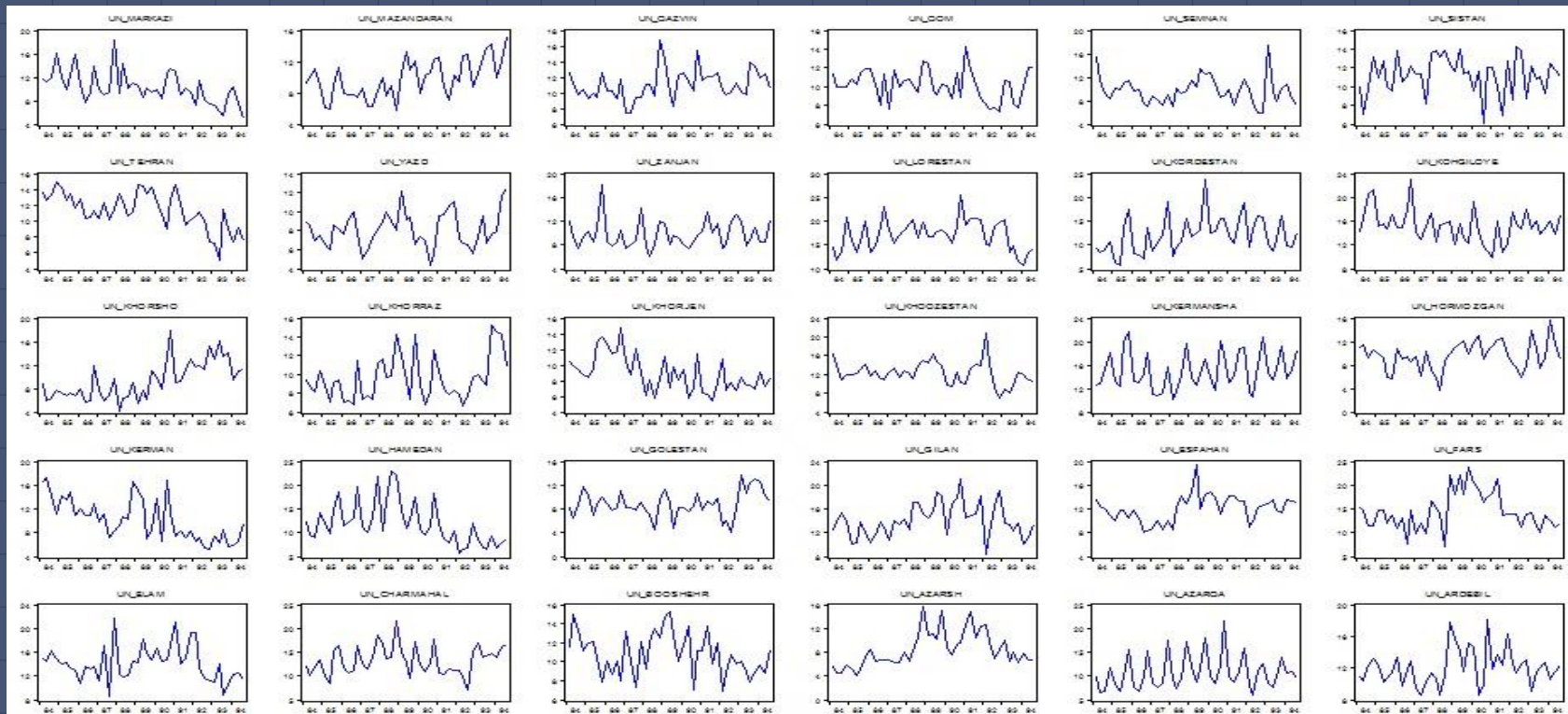
□ همچنین بلانچارد و سامرز نشان دادند که وابستگی زیادی میان نرخ بیکاری کنونی و نرخ بیکاری گذشته وجود دارد. به اعتقاد آنها کسانی که برای یک دوره طولانی بیکار میشوند، تمایل به بیکار ماندن دارند و در همین حال مهارت‌های آنها نیز کاسته میشود. در این وضعیت است که میتوان دریافت چطور بیکاری در زمان گذشته، نرخ کنونی بیکاری را تحت تأثیر قرار میدهد.

تحلیل تجربی اثرات تأخیری در نرخ بیکاری اقتصاد ایران

- تحلیل تجربی مفهوم اثر تأخیری با استفاده از داده های مربوط به بازار کار در اقتصاد ایران طی ۴ گام به شرح زیر صورت می گیرد:
- ✓ گام اول: توصیف آماری داده ها
- ✓ گام دوم: آزمون وابستگی بین مقطعی (بین استانی)
- ✓ گام سوم: آزمون اثرات فصلی
- ✓ گام چهارم: بر اساس نسل اول و دوم آزمون های ریشه واحد به بررسی اثرات تأخیری در نرخ بیکاری.

گام اول: توصیف داده ها

داده های فصلی مربوط به نرخ بیکاری ۳۰ استان کشور در بازه زمانی بهار ۱۳۸۴ تا پاییز ۱۳۹۴ در نمودارهای زیر ترسیم شده اند:



گام دوم: آزمون وابستگی بین مقطعی

وجود وابستگی مقطعی لزوم استفاده از آزمون های نسل دوم را برای ارزیابی وجود ریشه واحد و متعاقب آن وجود اثرات تأخیری، توجیه می کند.

p-value	مقدار آماره آزمون	
./..	۱۱۷۶/۲۲۶	بروش و پاکان (CD _{lm})
./..	۱۲/۳۲	پسران (CD)

نتایج جدول فوق، وابستگی مقطعی را رد نمی کند و در نتیجه استفاده از آزمون های نسل دوم ضرورت می یابد.

گام سوم: آزمون اثرات فصلی

- با توجه به اینکه داده های مورد بررسی فصلی هستند، لازم است وجود اثرات فصلی مورد آزمون قرار گیرد.
- برای ارزیابی اثرات فصلی در سری های نرخ بیکاری از آزمون HEGY، استفاده می کنیم.
- نتایج این آزمون نشان می دهد که در داده های نرخ بیکاری ۲۱ استان، اثرات فصلی مشاهده می شود.
- برای تعدیل داده ها و در واقع حذف این اثرات فصلی از فیلتر فصلی زدایی X12 استفاده می کنیم.

گام چهارم: آزمون ریشه واحد (نسل اول و دوم)

- نتایج آزمون های ریشه واحد نسل اول (از قبیل IPS، LLC و بیتونگ) نشان از مانایی دارد که بیانگر برقراری فرضیه نرخ طبیعی بیکاری است. طبق نتایج مربوط به آزمون وابستگی مقطعی، نمی توان به نتایج نسل اول اعتماد کرد و لازم است نسل دوم آزمون های یاد شده را برای تحلیل مانایی نرخ بیکاری بکار گیریم.
- یکی از روش های تحلیل مانایی متغیرها روشی است که توسط بای و ان جی (۲۰۰۴) معرفی شده و تحت عنوان PANIC شناخته می شود. مطابق این روش سری های قابل مشاهده به دو جزء عوامل مشترک و غیر مشترک تجزیه شده و وجود ریشه واحد در هر جزء بررسی می شود.

گام چهارم: آزمون ریشه واحد (نسل اول و دوم)

- در تجزیه سری های قابل مشاهده (نرخ بیکاری) از معیارهای $IPCI$ که $i=1,2,3$ است و $BIC3$ استفاده می شود.
- جمع بندی نتایج معیارهای یاد شده به همراه آزمون های MQf و MQc ، وجود ۴ عامل مشترک تصادفی آشکار می شود. روندهای یاد شده توسط این ۴ عامل منجر به نامانایی می شود و به عبارت دیگر وجود اثرات تأخیری در نرخ بیکاری به واسطه این عوامل شکل می گیرد.
- با وجود این اثر، انتظار می رود شوک وارد شده به بازار کار اثرات ماندگاری از خود بر جای گذاشته و هر شوک وارده منجر به جابجایی نرخ طبیعی بیکاری شود. بنابراین تنها سیاستهای کارآمد بلندمدت میتوانند بازار کار را به تعادل بلندمدت بازگردانند.

شناسایی اثر تأخیری در نرخ بیکاری با تأکید بر آزمونهای نسل
دوم PANIC

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران
تابستان ۱۳۹۶ سال ششم، شماره ۲۲ صفحات: ۱-۳۱

رضا اخباری

حسن طائی

The image features a dark blue background with a light gray grid. A white line graph with circular markers is plotted across the grid. A prominent red rectangular border highlights a central portion of the graph. Within this red box, the Persian text 'بخش پایانی' (Final Section) is written in white. The graph shows a fluctuating trend, starting with a slight rise, followed by a dip, then a steady increase to a peak, a subsequent decline, and finally a rise towards the end.

بخش پایانی

- برای حل معضل اشتغال باید به تولید اندیشید،
- افزایش کمی و بهبود کیفی سرمایه گذاری و گسترش کارایی استفاده از سطح موجودی سرمایه (راهبرد ظرفیت اسمی، راهبرد تکمیل طرح های نیمه تمام و نظارت چند جانبه بر سرمایه گذاری)
- افزایش مقیاس اقتصادی تولید در بنگاههای اقتصادی و حرکت بسوی اقتصاد تنوع
- پیاماندهی نظام داده و اطلاعات بازار کار پیش شرط هرگونه سیاست گذاری و نظارت در آن بازار
- تقویت و ایجاد بخش های تحقیق و توسعه و گسترش نوآوری در محصول و فرایند در بنگاههای تولیدی و بکارگیری نیروی های متخصص جوان

- شکل گیری زنجیره های ارزش و ارتباطات عمودی و افقی فعالیت ها و مشاغل در سطح بنگاه ها، صنعت و بازار (راهبرد تکمیل زنجیره های ارزش)
- توانمند سازی ، جامعه پذیری، اشتغال پذیری و اشتغالزایی در مقیاس خرد و خانگی در مناطق مرزی (راهبرد توان افزایی فردی و اجتماعی)
- اتخاذ سیاست های اقتصاد کلان موثر بر بازار کار(نظارت جدی بر امر صادرات و واردات، نرخ پائین تورم و نرخ پائین سود تسهیلات بانکی
- اتخاذ سیاست های فعال، حمایتی و تنظیم بازار کار در چارچوب سیاست های وزارتخانه ها و بخش های اقتصادی کشور

- امنیت، صلح و ثبات سیاسی در داخل و فضای بین‌المللی
- تثبیت حقوق مالکیت مادی فکری و معنوی، تضمین آزادی ورود و خروج منابع تولید و کاهش هزینه‌های مبادله
- وجود مدیران، کارفرمایان و کارآفرینان، شکل‌گیری بازارکار مدیران و سازوکار صحیح برای هر مدیریت منابع انسانی
- سرمایه‌گذاری و شکل‌گیری موجودی سرمایه کافی نیازمند پایداری نسبی جهت‌گیری‌ها در سیاست‌های عمومی و سیاست‌های اقتصادی کشور است.

- تقویت توان حکمرانی یا بهبود نظام تدبیر
- جلوگیری از اضمحلال طبقه متوسط
- تقویت بخش مولد از طریق فراهم‌سازی زمینه‌های خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی
- جلوگیری از فساد گسترده و رانت‌های پنهان و آشکار
- اصلاح شبکه بانکی، نظارت بیشتر بر بانک‌های خصوصی، تامین مالی کسب و کارهای خرد و کوچک و متوسط
- مدیریت نقدینگی و مهار افزایش قیمت‌ها
- خروج تمامی بنگاه‌ها و نهادهای نظامی و انتظامی از فعالیتهای اقتصادی

- این که می‌گویند امروزه ایران با یک موهبت جمعیتی مواجه است. مشروط است به این که بتوان با آموزش، از امید و تخیل آنان و با اشتغال، از توان و تگاپوی آنان سود جست و آنان را در فرایند تولید به مثابه سرمایه انسانی تلقی کرد.
- تنها در این صورت است که تمامی نیازهای اولیه و ثانویه ایشان که بسیار تهدیدآمیز می‌گردد به فرصتی تاریخی و کم‌نظیر و زمینه‌ساز رشدی درونزا برای کشورما تبدیل خواهند شد.
- در پایان توجه حکومت و جامعه مدنی را به فرایند و آثار **آموزش، یادگیری، ارتباط، گفتگو و اشتغال** در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی برای حل معضلات و چالش‌های فعلی جوانان جلب می‌کنیم.